



# مروری بر کتاب‌های «اسنادی» در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶

• مسعود کوهستانی نژاد

از جمله نکات مثبت کتاب‌هایی است که طی دو سال اخیر منتشر شده‌اند. بدیهی است چنین حالتی تنها در مورد ناشرینی اتفاق می‌افتد که تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده آن‌ها، زیاد باشد؛ از این حیث، تنها سه ناشر (مرکز بررسی اسناد تاریخی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه) توانسته‌اند در یک موضوع واحد، عناوین متعددی کتاب منتشر کنند. در مرکز بررسی اسناد تاریخی، موضوعاتی همچون: «رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک»، «چپ در ایران به روایت اسناد ساواک» و «مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک»، دست‌مایه انتشار کتاب‌های متعددی شد. در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، «احزاب و گروه‌های سیاسی به روایت اسناد» موضوع کتاب‌های مختلف و بالاخره در مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه: «فهرست اسناد مکمل قاجاریه» متنی شامل ۱۲ عنوان جلد کتاب را شامل شد.

**نکته دوم:** در این میان می‌باید به فعالیت‌های «مجمع ذخایر اسلامی» نیز اشاره کرد، مجمع مزبور در یک اقدام جالب، اسناد موجود در شهرستان‌ها را بررسی و منتشر کرد که از میان مجلدات انتشار یافته، می‌توان به «مجموعه اسناد آشتیان»، «منتخبی از اسناد کتابخانه میرزا محمد کاظمی - یزد» و بالاخره «مجموعه اسناد کتابخانه افشین عاطفی - کاشان» اشاره کرد. البته چاپ اسناد با موضوع دیگر شهرهای کشور، تنها محدود به «مجمع ذخایر اسلامی» نمی‌شود. علاوه بر آن، در دوره مورد بررسی این مقاله، ناشرین دیگری نیز اقدام به چاپ کتاب در این زمینه کردند. «اسناد کارگزاری بوشهر» (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی، شعبه بوشهر) و «کرمان در اسناد امین‌الضرب» (از نشر ثریا) از جمله آن کتاب‌ها هستند.

**نکته سوم:** چاپ سه عنوان کتاب از اسناد ساواک توسط مؤسسات انتشاراتی: رسانش (مواد مخدر به روایت اسناد ساواک)، شروع (حجة الاسلام نبوی به روایت اسناد ساواک) و ممتاز (مخاطرات و اسناد حجه‌الاسلام شجونی) قابل توجه است.

**نکته چهارم:** پدیده جالبی که طی دو سال اخیر در روند چاپ و مجموعه‌های اسنادی مشاهده می‌شود، انتشار اسناد آرشیوهای موجود در کشورهای دیگر، در ایران است. «مکاتبات (فوق محرمانه) نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا و نخست‌وزیران بریتانیای کبیر (توسط انتشارات به‌آفرین)، نخستین زندگی‌نامه استالین بر پایه اسناد جدید تکان‌دهنده پرنده‌های مخفی روسیه (انتشارات مؤسسه اطلاعات)، حزب توده

در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، تعداد قابل توجهی کتاب با عنوان و موضوع «اسناد تاریخی» چاپ و منتشر شد. ناشرین گوناگونی در این زمینه فعالیت داشتند و پژوهشگران و محققین زیادی با کار بر روی اسناد، نتیجه تحقیق خود را به صورت عناوین متنوعی در این عرصه، عرضه داشتند. بررسی این تعداد کتاب را، نخست از منظر کمی آغاز می‌کنیم. از نظر تعداد عنوان، مرکز بررسی اسناد تاریخی و نیز مرکز اسناد انقلاب اسلامی بیشترین تعداد عنوان کتاب را منتشر کردند. عناوین کتاب‌های منتشر شده توسط دو مرکز مزبور تقریباً دوسوم کتاب‌های اسنادی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ را شامل می‌شود.

در کنار آن دو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه قرار دارد. که با چاپ کتاب «فهرست اسناد مکمل قاجاریه» (در ۱۲ جلد)، به حجم قابل توجهی از عناوین چاپ شده توسط این مرکز مواجه می‌شویم. در کنار سه مرکز انتشاراتی فوق، مراکز مشابه دیگر نیز قرار دارند. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (با دو عنوان)، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر (با دو عنوان)، انتشارات روزنامه اطلاعات، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، مجمع ذخایر اسلامی و بالاخره سازمان اسناد ملی ایران (سازمان اسناد و کتابخانه ملی فعلی).

از میان ناشرین خصوصی، همانند سال‌های گذشته، «نشر تاریخ ایران» تلاش بسیاری برای انتشار مجموعه‌های «اسناد تاریخی» انجام داد. دستاورد این تلاش، چاپ تعدادی کتاب در این زمینه بود. از جمله ناشران دیگری که در این زمینه آثاری چاپ کرده‌اند، می‌توان این‌ها را نام برد: «افتراق»، «جنگل»، «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی»، «فرزان روز»، «اساطیر»، «قطره»، «رسانش»، «حرف نو»، «نشر نی»، «به‌آفرین»، «زرین»، «ثریا»، «شاهد»، «شروع»، «ممتاز»، «نشر آبی»، «فیروزه» و «مهرنامگ».

از نظر شمارگان، به استثناء مواردی معدود (در مجموعه‌های چاپ شده توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، که تعداد چاپ سه هزار تا بوده است، در مورد بقیه عناوین کتاب‌های مورد بحث، شمارگان بین هزار تا دو هزار نسخه در نوسان است. اما پس از یک بررسی آماری، جای دارد کتاب‌های با موضوع «اسناد تاریخی» را که در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ چاپ شده‌اند، از منظر موضوعی نیز بررسی کنیم، در ابتدا چند نکته در مورد عنوان این کتاب‌ها:

**نکته اول:** چاپ مجموعه اسناد مختلف تحت یک موضوع واحد،

پدیده جالبی که طی دو سال اخیر در روند چاپ و مجموعه‌های اسنادی مشاهده می‌شود، انتشار اسناد آرشیوهای موجود در کشورهای دیگر، در ایران است



ایران در مهاجرت: مطالعه‌ای براساس اسناد منتشر نشده آلمان شرقی (نشر اختران)، قزاق: عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه (نشر فیروزه) و فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان درباره تاریخ ایران (مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه) مهم‌ترین عناوینی هستند که توسط ناشرین مختلف چاپ و منتشر شده‌اند.

**نکته پنجم:** وجود برخی موضوعات و عناوین در کتاب‌های مورد بحث، خبر از نوآوری‌هایی در توجه به زمینه‌های دیگر تاریخ معاصر کشورمان دارد. در این رابطه می‌توان به اسناد مراسلات تهران (نشر تاریخ ایران) در مورد وضعیت زندگانی اجتماعی - اقتصادی در آن شهر، مواد مخدر به روایت اسناد ساواک (نشر رسانش)، تاراج میراث فرهنگی (مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه) اشاره کرد.

**نکته ششم:** البته در این میان هنوز هم همانند سال‌های گذشته، برخی موضوع‌ها، به ویژه در زمینه رجال‌شناسی، دست‌مایه چاپ اسناد و یا مجموعه اسنادی از سوی ناشرین مختلف شده‌اند. خاطرات و اسناد حسین قلی‌خان نظام السلطنه مافی و نشر تاریخ ایران میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل (توسط نشر فرزانه روز، نشر حرف نو و نشر شاهد) و امین‌الضرب (کتاب کرمان در اسناد امین‌الضرب، نشر تریا) از آن جمله‌اند.

**نکته هفتم:** چاپ کتاب «نهضت جنگل به روایت تصویر» از سوی نشر شاهد، نویددهنده توجه به اسناد غیرمکتوب تاریخ معاصر ایران است. تداوم این روند در سال‌های آتی، می‌تواند دریچه‌های جدیدی را برای بررسی و تحلیل رویدادهای تاریخ معاصر، بگشاید.

### بررسی محتوایی عناوین منتخب کتاب‌ها

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، قسمت اعظم کتاب‌های اسنادی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، توسط دو مرکز انتشاراتی «بررسی اسناد تاریخی» و «اسناد انقلاب اسلامی» منتشر شده‌اند. از این گروه، سه عنوان کتاب را برای بررسی برگزیده‌ایم. سه عنوان مزبور که به ترتیب تاریخ چاپ عبارتند از: «حزب ایران» (سیاوش یاری)، «حزب رستاخیز ملت ایران» (جلد اول - از اصغر صارمی شهاب) و «آخرین ارتشبد - عباس قره‌باغی (از منصور نصیری).

**حزب ایران:** کتاب «حزب ایران به روایت اسناد ساواک» توسط

سیاوش یاری در ۲۰۰۰ نسخه اول پاییز سال ۱۳۸۴، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. این کتاب، همانند دیگر عناوین آن مرکز، «یکی از موضوعات «طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» است که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهیه شد.» ساختار کلی کتاب از: مقدمه، پیش‌گفتار، مدخل پژوهشی، اسناد و تصاویر، و ضمایم تشکیل یافته است. براساس آن چه که در مقدمه کتاب (به امضاء مرکز اسناد انقلاب اسلامی) آمده، هدف از پژوهش پیرامون آن حزب، این است که «سیاست‌ها، آرمان‌ها، موضع‌گیری‌ها و اقدامات و فعالیت‌های حزب ایران با بهره‌گیری از اسناد و منابع و نشریات، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد تا گونه‌ای از تاریخ معاصر ایران را روشن نماید.»<sup>۱</sup> در پیش‌گفتار کتاب، سیاوش یاری پس از بیان فرازی از وضعیت سیاسی، اجتماعی ایران، در مورد بررسی وضعیت حزب ایران، سؤالات سیزده‌گانه‌ای را مطرح کرده است<sup>۲</sup> و هدف پژوهش خود را، یافتن پاسخی برای سؤالات مزبور، اعلام می‌کند. در ادامه «پیش‌گفتار» کتاب، نویسنده به بررسی منابع موجود در زمینه فعالیت‌های حزب ایران و شیوه تدوین اسناد ارائه شده در کتاب مورد بحث، می‌پردازد. بخش اول کتاب «حزب ایران به روایت اسناد ساواک» به مبحث «مدخل پژوهش» اختصاص یافته است<sup>۳</sup> و در ذیل آن، موضوع‌های متنوعی در ارتباط با فعالیت حزب ایران، مورد توجه قرار گرفته‌اند. «تأسیس و تثبیت حزب ایران»، «حزب ایران و جبهه ملی» و «تشکیلات و ایدئولوژی حزب ایران»، سرفصل‌های مدخل پژوهشی هستند.

سیاوش یاری در نخستین صفحه از فصل اول، در بیان زمینه

علی‌رغم چاپ و انتشار صدها عنوان کتاب سندی طی دو دهه اخیر، هنوز چارچوب‌های نظری در مورد جایگاه اسناد، شیوه‌های نقد و بررسی آنها و از همه مهم‌تر معیارهای اطلاق «سند» به یک مدرک، مشخص نشده‌اند. کاری که انجام آن در موقعیت فعلی و پس از دو دهه انتشار اسناد، ضروری به نظر می‌رسد



اسناد و مدارک آن حزب ارائه شده‌اند. فهرست منابع و مأخذ و فهرست اعلام پایان‌بخش کتاب مورد بحث هستند.

در مجموع، نگاه سیاوش یاری به موضوع مورد پژوهش، یک نگاه تاریخی است. او در ذیل مدخل پژوهشی، با ارائه مباحث تاریخی، سعی در شناساندن حزب ایران، به آن گونه که بوده است، دارد. ردپای چنین نگاهی را در کل کتاب می‌توان مشاهده کرد. بدیهی است هنگام بررسی یک موضوع تاریخی، می‌باید نگاه تاریخی به مسأله داشت و دوری از حب و بغض‌ها و به کار بردن برخی عبارات و الفاظ غیراخلاقی، ضربه جدی بر اعتبار کتاب وارد می‌کند. از این جهت، سیاوش یاری، امتحان خوبی پس داده و برخلاف برخی عناوین کتاب‌هایی که نویسنده و یا تدوین‌گر آن‌ها در متن پژوهش خود از کلمات و الفاظ غیر اخلاقی استفاده می‌کرد، او با متانت و سنجیدگی، مباحث خود را مطرح می‌کند. نگاه او به یک حزب، نگاهی ساختارشناسانه است؛ البته این موضوع مانع از این نمی‌شود که در بستر رویدادهای دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و با توجه به مقتضیات آن دوره، از شناساندن و بررسی رفتار حزب ایران چشم پوشد.

#### کتاب حزب رستاخیز ملت ایران به روایت اسناد (۱۳۵۷-۱۳۵۳) / جلد اول

کتاب حزب رستاخیز ملت ایران به روایت اسناد، کاری از اصغر صارمی شهاب است که در ۱۰۰۰ نسخه و در اول تابستان ۱۳۸۵، توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. این کتاب نیز یکی از موضوعات «طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی» آن مرکز محسوب می‌شود. فهرست مطالب کتاب تصویری از محتویات داخل آن را ارائه می‌کند. پس از مقدمه و پیش‌گفتار، بخش اول در ارتباط با «مدخل پژوهشی» است که در ذیل آن، طی چهار فصل تحلیلی بر فعالیت حزب رستاخیز ارائه می‌شود. در بخش دوم کتاب اسناد و تصاویر ارائه شده است. ادامه این بخش جلد دوم کتاب را تشکیل می‌دهد و در پایان آن جلد ضمایم کتاب آمده‌اند.

در معرفی کلیت کتاب، صارمی در بخش پیش‌گفتار، می‌نویسد: «در مجموعه حاضر به تدوین و گردآوری مطالب در دو بخش «مدخل پژوهشی» و «اسنادی» اقدام شده است. در فصل‌های اول و دوم بخش تحقیقاتی به تعریف حزب سیاسی و نظام‌های حزبی و یا پگاه حزب رستاخیز در نظام‌های حزبی و نحوه شکل‌گیری آن پرداخته‌ایم. در فصل سوم ساخت و روش حزب رستاخیز شامل: ارکان اصلی و سازمان‌های وابسته و در فصل آخر، فعالیت‌ها و دیگر جوانب فرعی موضوع را بررسی کرده‌ایم.»<sup>۶</sup>

صارمی شهاب، تحلیلی بر اسناد، منشأ و اعتبار آنها، برای استفاده

و بستر شکل‌گیری حزب ایران و اهداف آن می‌نویسد: «حزب ایران یکی از احزابی بود که در دوره پهلوی دوم تأسیس شد. این حزب هم‌چون بسیاری از احزاب دیگر در این دوره، مولود معنای خاص سیاسی پس از سقوط رضاشاه بود، هر چند اشغال ایران توسط متفقین [۱۳۲۰-۱۳۲۵] در این زمان و مشکلات دیگر، فضای سیاسی ایران را متشنج ساخته بود و حکومت وقت هنوز نتوانسته بود به اعمال حاکمیت واقعی در سراسر کشور بپردازد. در چنین فضایی عده‌ای به دور هم جمع شده بودند و قصد داشتند که به دور از وابستگی‌ها، حزب خاصی را تشکیل دهند. آنان تحصیل‌کردگان از غرب برگشته و بیشتر مهندسان و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق بودند که حزب ایران را به وجود آوردند و بر آن بودند که به نوعی به حل معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه خویش بپردازند و برای نیل به هدف فوق، بسیاری از آنان پا به عرصه سیاست نهادند.»<sup>۴</sup>

در صفحات پایانی بخش اول کتاب (مدخل پژوهشی)، نویسنده پس از بررسی منابع و کتب و طرح مباحثی در زمینه فعالیت حزب ایران، روند کلی فعالیت آن حزب را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌نویسد: «اگر خواسته شود قضاوتی منصفانه در مورد عملکرد حزب صورت گیرد، باید گفته شود که این حزب فعالیت‌های چشمگیری برای ملی‌کردن صنعت نفت و ارتقای سطح شناخت و فعالیت سیاسی مردم انجام داد، حمایت‌های این حزب از کابینه مصدق و عملکرد چند تن از اعضای حزب در کابینه وی و دیگر کابینه‌های قبل و بعد از آن تا حدود زیادی مثبت و سازنده بود. حزب ایران در طول تمام حیات سیاسی خود به تناوب با انتشار روزنامه، برگزاری کنگره، تشکیل جلسه‌های سخنرانی و میتینگ، پخش اعلامیه و ... سعی در برقرار حکومت مشروطه سلطنتی به معنای واقعی کلمه داشت که البته موفقیتی در این زمینه کسب نکرد. شایان ذکر است که فعالیت‌های حزب ایران، در چارچوب قانون اساسی صورت می‌گرفت و سران حزب دین را از سیاست جدا می‌دانستند. این یکی از سیاست‌های تغییرناپذیر حزب ایران بود که تا پایان حیات سیاسی حزب بر آن تأکید گردید و ارتباط گاه‌به‌گاه حزب ایران و سران آن با روحانیون به منزله تاکتیک‌های سیاسی حزب بود که هدف آن تحت فشار قرار دادن رژیم پهلوی بود.»<sup>۵</sup>

در ابتدای بخش دوم کتاب (اسناد و تصاویر)، نویسنده فهرست موضوعی و اسناد ارائه شده (به علاوه تاریخ و شماره سند) را ارائه می‌کند. در مورد متن اسناد، نکته بسیار حائز اهمیت، چاپ تصاویر اغلب قریب به انفعال آن‌ها (دارای متون تاییبی) است. این موضوع سبب افزایش اعتبار کتاب می‌شود. پس از آن تصاویری از رجال و شخصیت‌های حزب ایران و سپس (در بخش ضمایم) تعداد دیگری از

وجود برخی موضوعات و عناوین در کتاب‌های اسنادی سال‌های اخیر، خبر از نوآوری‌هایی در توجه به زمینه‌های دیگر تاریخ معاصر کشورمان دارد. از جمله کتاب‌های: اسناد مراسلات تهران در مورد وضعیت زندگانی اجتماعی - اقتصادی در آن شهر، مواد مخدر به روایت اسناد ساواک و تاراج میراث فرهنگی



بر نقد حزب رستاخیز، گریزی هم به دیگر احزاب دولتی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ زده و وضعیت آن‌ها را نیز بررسی می‌کند.<sup>۱۱</sup> برخلاف فصل اول، فصول دوم، سوم و چهارم کتاب، گزارش مفصل و دقیقی از چگونگی شکل‌گیری حزب رستاخیز و فعالیت‌های آن است. گزارش مزبور عمدتاً براساس مندرجات اسناد ارائه شده در کتاب مورد بحث، تدوین یافته است.

صارمی شهاب در گزارش مزبور، تلاش کرده است جزئیات را حتی‌الامکان بدون پیش‌داوری و دخالت دادن مسائل حاشیه‌ای و سیاسی، منعکس سازد. در پایان بخش اول و در بخش نتیجه‌گیری کتاب می‌خوانیم: «شاه با تشکیل حزب رستاخیز بر آن بود که رژیم را بر پایه سه اصل «اعتقاد به نظام شاهنشاهی»، «قانون اساسی»، و «اعتقاد به اصول انقلاب شاه و ملت» نهادینه سازد. انحلال حزب رستاخیز در واقع نشان‌دهنده ناکارآمدی اصول سه‌گانه حزب و توفیق نداشتن نظام در نهادینه‌سازی خود بود. درحالی که در جامعه‌ای نهادینه‌سازی قرین موفقیت می‌شود، که برنامه‌ریزی در آن، براساس شناخت صحیح از خصوصیات و درک تکثر اجتماعی آن باشد و همین جاست که انتخاب یک روش قاطع حزبی و قادر به حاکمیت در تمام سطوح فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، تعصبی و خالی از محتوای حزبی [بوده و در] جهت نهادینه‌سازی نظام سیاسی است. در جامعه آن‌روز که مثل تمام جوامع دیگر جهان، همه نوع تفکر و فلسفه از هیپیزم [گرفته] تا سبوسالیسم یا از ناسیونالیسم شدید تا احساسات کاملاً مذهبی وجود داشت، حزب رستاخیز که هدف از آن، مهار دارندگان افکار و منافع مختلف در محدوده فقط یک تک حزب بود، چگونه می‌توانست وجود آن‌ها را نفی کند درحالی که تکثر اجتماعی چه در جامعه آزاد و چه در همان جامعه، در محدوده حزب به صورت واقعیت‌های زمانی وجود داشتند.<sup>۱۲</sup>»

همانند دیگر انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بخش دوم کتاب مورد بحث نیز، شامل «اسناد و تصاویر» آن‌ها می‌شود. در ابتدای این بخش فهرست موضوعی اسناد (فاقد زمان هر سند) ارائه شده است.

در یک نتیجه‌گیری از بررسی کتاب حزب رستاخیز ملت ایران، می‌باید در وهله نخست به دید باز و نگاه مناسب و علمی نویسنده (صارمی شهاب) به موضوع کتاب اشاره کرد. به ویژه در قسمت نتیجه‌گیری، نویسنده تلاش خود را برای تحلیل علمی مبانی شکست تجربه حزب رستاخیز ملت ایران بیان داشته است. البته این نکته نیز نباید ناگفته بماند که علی‌رغم کوشش زیاد صارمی شهاب در ارائه یک گزارش دقیق تاریخی از ماقع و سرگذشت حزب رستاخیز، نگاه او به مقوله مورد بررسی، یک نگاه برگرفته از مبانی نظری علم

در کتاب ارائه می‌کند. در بیان او: «در برآیند کلی و ارزیابی اسناد این مجموعه که از بیست و یک هزار و صد و پنج برگ سند در قالب هشتاد و دو پرونده استخراج شده‌اند، باید گفت از آنجا که اداره سوم ساواک موظف به پیگیری امور حزب رستاخیز بود و این وظیفه به وسیله مشاهده‌های هزاران مأمور آموزش‌دیده، انجام داده می‌شد، هر چند احتمال جانب‌گیری از سوی مشاهده‌گران می‌رود؛ ولی به مشاهدات این اسناد اهمیت و اعتباری خاص می‌بخشد، چرا که از یک سو مشاهدات دست‌اول و اطلاعات پنهانی، برای خواننده فراهم می‌سازد که از هیچ مرجع دیگری قابل دست‌یابی نیست و از سوی دیگر حواشی این اسناد دربردارنده نظر و عقیده اعضای سازمان امنیت کشور است.»<sup>۷</sup>

صارمی شهاب، در باب منشأ اسناد مورد استفاده و ارائه شده در کتابش می‌گوید: «مجموعه اسناد حزب رستاخیز آن مرکز [منظور مرکز اسناد انقلاب اسلامی است] اصل نیست و بیشتر آن‌ها را تصاویر اسناد (البته بدون کم و کاست) تهیه شده توسط ساواک که اصل آن در وزارت اطلاعات موجود است، تشکیل می‌دهد.»<sup>۸</sup> در فصل اول کتاب، در تحلیل عنوان «احزاب سیاسی و حزب رستاخیز ملت ایران» صارمی شهاب، نخست با ارائه تعاریف علمی در باب احزاب و مشخصات و ویژگی‌های آن از دیدگاه تئوریک‌های غربی که در مورد ویژگی‌های احزاب کشورهای توسعه یافته است، این نتیجه را می‌گیرد: «بنابراین، با معیار قراردادی ویژگی‌های احزاب سیاسی در دموکراسی‌های پیشرفته، نمی‌توان از حزب واحد رستاخیز سخن گفت، نمی‌توان گفت که این حزب مانند تمام احزاب سیاسی جهان در پی کسب و اعمال قدرت سیاسی است؛ چرا که آن را با نطق تاریخی شاه در یازدهم اسفند ۱۳۵۳، کسب کرده است.»<sup>۹</sup>

در ادامه و در هنگام بحث از «نظام‌های حزبی و حزب رستاخیز ملت ایران» صارمی شهاب بار دیگر از الگوی فوق استفاده می‌کند؛ نخست نظام‌های حزبی در کشورهای پیشرفته مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ آراء و نظریات تئوریک‌های غربی در این باب می‌آید و در انتها می‌نویسد: «در نظام حزبی رستاخیز نیز حزب در خدمت اهداف دولت‌مردان می‌باشد و حزب به منزله حفظ وحدت ملی و ممانعت از تثبیت آراء، در خدمت هدف‌ها و آمال شاه قرار گرفت. بدین طریق، علاوه بر نمایش دموکراسی و تلاش برای کسب مشروعیت نظام در قالب حزب، از پراکندگی آرا و به خطر افتادن اهداف خاص دولت‌مردان که از آن، به عنوان ضرورت حفظ وحدت ملی سخن می‌رود، جلوگیری به عمل می‌آید.»<sup>۱۰</sup>

در ادامه متن، صارمی شهاب در چارچوب‌های نظری فوق، علاوه

سیاست است. نحوه چینش موضوع در فصل اول، نحوه نتیجه‌گیری‌های موردی در فصول دوم، سوم و چهارم و به ویژه نتیجه‌گیری نهایی نویسنده، حاکی از تقید وی به مبانی مذکور است.

### آخرین ارتشبد: عباس قره‌باغی

برخلاف دو کتاب فوق‌الذکر، این کتاب، روایتی سندی از شرح زندگانی یک فرد است. تاریخ‌نگاری در ایران زیر سیطره سیره‌نویسی اشخاص و زندگی آنها قرار داشته و هنوز هم سایه این شیوه تاریخ‌نگاری بر روند پژوهش‌های تاریخی سنگینی می‌کند. کتاب «آخرین ارتشبد: عباس قره‌باغی به روایت اسناد» که توسط منصور نصیری طیبی تدوین شده و در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه در اول بهار ۱۳۸۶ به‌وسیله مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شد، نیز بر همان منوال و البته با محاسن و نکات جالب، تدوین شده است.<sup>۱۳</sup> این کتاب نیز همانند دیگر کتاب‌های مشابه، «یکی از موضوعات تدوین تاریخ انقلاب اسلامی است که دارای مشخصات کلی آنها نیز هست. کل کتاب در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول آقای نصیری به بررسی و تحلیل شخصیت قره‌باغی با توجه به رویدادهای سیاسی کشور می‌پردازد. نقطه اصلی تحلیل، رویدادها و وقایع سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ است.

روایت منصور نصیری از زندگی «آخرین ارتشبد»، روایتی خطی، همانند دیگر کتاب‌های مشابه رجال‌شناسی است. او فصل اول کتاب را با بیان مشخصات شناسنامه‌ای قره‌باغی آغاز می‌کند، در ادامه میزان تحصیلات، و مدارج نظامی او بیان می‌شود. در ادامه، با استفاده از اطلاعات موجود در اسناد، روایت خطی مزبور همچنان ادامه می‌یابد، البته در این میان گوشه‌هایی از زندگی شخصی قره‌باغی نیز بیان می‌شود. از جمله در ذیل فهرست اموال قره‌باغی آمده است: «بر اساس اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مشخصات اموال شناسایی شده قره‌باغی عبارت بودند از: یکصد هکتار از اراضی واگذاری حکومت در گرگان، دو قطعه زمین در شاه مزرعه گرگان به مساحت ۲۸ و ۷۵ هکتار واگذاری حکومت به وی، یک دستگاه ساختمان دو طبقه در تهران خیابان ولی‌عصر، یک قطعه زمین ۸۰۰ متری در شهرک فرزاد سابق، یک باب ویلا در نوشهر، مقداری اراضی موروثی در اطراف ارومیه، یک قطعه باغ به مساحت یک هکتار در اطراف ارومیه، یک قطعه زمین به مساحت ۷۰۰ متر در مجیدیه، یک باب ساختمان مسکونی در خیابان اختیاریه، یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۰۰ متر در بندر انزلی و قریب به ۱/۵ میلیون تومان وجه نقد در بانک.<sup>۱۴</sup>

آقای منصور نصیری، تدوین‌گر کتاب «آخرین ارتشبد»، پس از بررسی شخصیت و فعالیت‌های قره‌باغی، در فراز آخر بخش اول، نتیجه مباحث آن بخش را ارائه می‌کند. به گمان نصیری «ارتشبد قره‌باغی در زمره نظامیانی بود که با توجه به رابطه نزدیکی که از دوران دانشکده افسری با شاه پیدا کرد، توانست به تدریج پله‌های ترقی را ببیماید و به بالاترین درجه نظامی در ایران «ارتشبدی» نائل گردد. علاوه بر این، با استفاده از نفوذ و قدرت خود در مناصب مختلف، توانست املاک و مستغلات گوناگون و ثروت بی‌شماری به دست آورد. میزان اطمینان

## نگاه سیاوش یاری به یک حزب، نگاهی ساختارشناسانه است؛ البته این موضوع مانع از این نمی‌شود که در بستر رویدادهای دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ و با توجه به مقتضیات آن دوره، از شناساندن و بررسی رفتار حزب ایران چشم پوشد

و اعتماد شاه به وی تا حدی بود که نه تنها وی را از اتهام جاسوسی برای شوروی رها ساخت، بلکه وی را به فرماندهی یکی از مناصب حساس نظامی کشور، یعنی «ژاندارمری»، برگزید.<sup>۱۵</sup>

در مورد اتهام «جاسوسی شوروی»، منصور نصیری در صفحات اولیه بخش اول کتاب، می‌نویسد: «اوایل سال ۱۳۴۰ سرتیپ تاج‌بخش، رئیس ضد اطلاعات ارتش، پرونده‌ای برای قره‌باغی ساخت و مدعی شد که او جاسوس روس‌ها است. وی پرونده قره‌باغی را به شاه داد. شاه نیز پرونده را برای رسیدگی به شورای عالی هماهنگی - که فردوست دبیر آن بود - ارجاع داد. اویسی و دیگران از قره‌باغی دفاع کردند. بدین ترتیب با رد اتهام، تبریته شد و مسأله فیصله یافت. فردوست در این ارتباط می‌نویسد: ارتکاب چنین عملی از فرد بسیار محتاطی چون قره‌باغی، جزء محالات بود.»<sup>۱۶</sup>

به غیر از متن چند خطی فوق، اطلاعات دیگری از علت وارد آوردن اتهام «جاسوسی برای شوروی»، به قره‌باغی، وجود ندارد.

به هر روی، بحث بر روی افراد و اشخاص در تاریخ معاصر ایران و به‌ویژه افرادی که به نوعی در رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷) دخالت داشتند، حساسیت‌ها و سختی‌های خاص خودش را دارد. بدیهی است علت اصلی وجود چنین حساسیت‌های نزدیکی وقایع و رویدادها به زمان حاضر است. در چنین وضعیتی سخن گفتن از برخی و یا دقیق‌تر بگوئیم همه شخصیت‌ها و رجال، به‌ویژه از نوع نظامی‌شان، مشکل می‌شود. علی‌رغم وجود چنین مشکلاتی، منصور نصیری کتاب آخرین ارتشبد، را تدوین و به جامعه فرهنگی و علمی کشور ارائه کرد.

### «در آستانه انقلاب اسلامی (اسنادی از واپسین سال‌های

#### حکومت پهلوی)»

بر خلاف کتاب‌های فوق‌الذکر که پیرامون یک شخص و یا یک حزب تدوین شده‌اند، کتاب: «در آستانه انقلاب اسلامی» به کوشش جلال فرهنگد، با هدف ارائه اسنادی از وضعیت ایران در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۷، تدوین شده است. این کتاب از یک مقدمه ۹ صفحه‌ای و بخش اسناد (در حدود ۶۳۰ صفحه) تشکیل شده است. بر خلاف دیگر کتاب‌های اسنادی که فهرست آنها بر اساس عناوین موضوعی هر سند ارائه می‌شود، در کتاب مورد بحث در ذیل فصول هیجده‌گانه، اسنادی که مربوط به یک منطقه جغرافیایی و یا موضوعات دیگر است، مدون شده‌اند. برخی از عناوین فهرست فصول هیجده‌گانه مذکور به این شرح هستند. «فعالیت‌های عملی برای

حفظ و پایداری نظام پهلوی، پیشنهادهای افراد برای پایداری نظام پهلوی، مخالفان رژیم در دادگستری، مطبوعات و رسانه‌های داخلی و بین‌المللی، دانشگاه و دانشجویان، صورت جلسه هیأت وزیران (شریف امامی)، صنعت نفت، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و ...»<sup>۱۷</sup>

اسناد ارائه شده در مجموعه فوق، اسناد آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر هستند. اسنادی بسیار مهم، جالب و ارزشمند. به دلایل مختلف که بحث در مورد آنها در اینجا ضرورتی ندارد، اسناد مذکور حاوی نظرات، دیدگاه‌ها و گزارشات مبسوطی است که عمدتاً از جانب افراد و شخصیت‌هایی که دارای مقام و مناصب مختلفی بوده‌اند، ابراز شده است. نحوه و دسته‌بندی اسناد که در ذیل یک عنوان فصل، انجام شده و عدم عنوان‌بندی هر سند، بیانگر نگاهی است که در تدوین کتاب، به اسناد وجود داشته است. در این نگاه، یک سند به نوبه خود نمی‌تواند گویای مجموعه عوامل، زمینه‌ها و بستری‌های شکل‌گیری خود باشد ولی یک مجموعه سند که پیرامون موضوعی واحد باشد، می‌تواند ابعاد مختلف آن موضوع را بیان کند. فصل‌بندی کتاب و ارائه اسناد در ذیل یک عنوان فصل، خود کمک بزرگی به درک وقایع و رویدادها و همچنین محتویات یک سند می‌کند؛ ولی اشکال اساسی کار در اینجا است که عنوان یک فصل را چه کسی نوشته است؟ آیا محتویات یک سند که در ذیل آن عنوان آمده، تنها شامل همان عنوان موضوعی در یک فصل است؟ و یا اینکه وجه غالب بر یک سند در نظر گرفته شده و بر اساس آن، سند مذکور در ذیل یک عنوان کلی (در فصل) ارائه شده است. به نظر می‌رسد نحوه دسته‌بندی اسناد ارائه شده در مجموعه «در آستانه انقلاب اسلامی» با چنین نگرشی، انجام شده باشد.

صرف‌نظر از مباحث فوق، اهمیت و ارزش اسناد ارائه شده در کتاب مورد بحث، به‌گونه‌ای است که امیدواریم مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر بیش از پیش با ارائه اسناد موجود در آرشیو آن مؤسسه، امکان بررسی نکات، دقایق و ظرایف بیشتری از وقایع سال‌های پایان رژیم پهلوی را فراهم آورد.

**مراسلات طهران:** نشر تاریخ ایران و برخی از مراکز خصوصی نشر دیگر، طی چند دهه گذشته فعالیت‌های فراوان و پرثمری در زمینه ارائه اسنادی از وقایع تاریخ معاصر کشورمان داشته‌اند. حق‌الانصاف چنین فعالیتی سبب گسترش و رونق گرفتن چاپ و انتشار اسناد توسط

**به نظر می‌رسد برخی از ناشرین و شرکت‌های انتشاراتی که چاپ کتاب‌های سندی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، به یک الگوی واحد در این زمینه دست یافته‌اند. وجود چنین الگویی از جمله محسنات کتاب‌های سندی دو سال اخیر است**

دیگر ناشرین خصوصی و دولتی شد. بار اصلی چنین تلاشی هم بر دوش خانم دکتر منصوره اتحادیه بوده و هست. او با تلاش زیاد اقدام به انتشار اسنادی می‌کند که عمدتاً اسناد خانوادگی محسوب می‌شوند. از جمله اسناد منتشره مذکور، کتاب «مراسلات طهران» نامه‌های مباشر میرزاحسین خان معیرالسلطنه از تهران به کاشان در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ قمری است که توسط دکتر اتحادیه مدون و به وسیله «کتاب سیامک» منتشر شده است؛ علیرغم این موضوع، سبک و سیاق کتاب مورد بحث عیناً کتاب‌هایی است که توسط «نشر تاریخ ایران» منتشر شده‌اند.

کتاب «مراسلات طهران» از دو بخش کلی: دیباچه و نامه‌ها تشکیل شده است. در بخش دیباچه دکتر منصوره اتحادیه توضیحاتی در خصوص ارزش و اهمیت نامه، منشاء آنها و زندگی‌نامه نویسنده و مخاطب نامه، ارائه می‌دهد. بخش اصلی کتاب، متن ۱۳۱ نامه‌ای است که در فاصله بین ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ قمری تا جمادی‌الثانی ۱۳۰۹ قمری نوشته شده‌اند. فهرست ارائه شده در اول کتاب، تنها تاریخ نامه‌ها را برای ما بازگو می‌کند و برای آشنایی با متن نامه‌ها و این که محتویات آنها چیست، لزوماً باید به خود نامه مراجعه کرد. البته در قسمت ابتدای دیباچه کتاب، خانم دکتر اتحادیه ارزش و اهمیت نامه‌های ارائه شده را در «پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی شهر تهران» معرفی می‌کند و در نتیجه این انتظار برای خواننده پیش می‌آید که با مجموعه سندی در باب مسائل تاریخ شهرنشینی در ایران، مواجه شود. عنوان کتاب نیز به‌همین دلیل «مراسلات طهران» انتخاب شده است. البته با توجه به اینکه نویسنده نامه‌های مزبور «مباشر میرزاحسین‌خان»، یکی از اعضای دون‌پایه ایرانی سفارت انگلیس در تهران بوده، اطلاعات ارائه شده در نامه‌ها، عمدتاً به خیابان‌ها و کوچه، پس‌کوچه‌ها و باغ‌های



**در نگاه جلال فرهمند، یک سند به نوبه خود  
نمی‌تواند گویای مجموعه عوامل، زمینه‌ها و  
بسترهای شکل‌گیری خود باشد ولی یک مجموعه  
سند که پیرامون موضوعی واحد باشد، می‌تواند  
ابعاد مختلف آن موضوع را بیان کند**

اطراف سفارت‌خانه انگلیس، در تهران و یا در بیلاق قلهک، محدود می‌شوند. از جمله دیگر ویژگی‌های کتاب «مراسلات طهران» چاپ بسیار مناسب و زیبایی کتاب است.

**حزب توده ایران در مهاجرت**

در صفحه‌های قبل، هنگام بررسی عناوین کتاب‌های اسنادی که در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تاکنون منتشر شده‌اند، به این نکته اشاره شد که یکی از نکات مثبت آن کتاب‌ها، ترجمه اسنادی در مورد ایران است که در آرشیوهای کشورهای دیگر نگهداری می‌شوند. در ادامه بررسی خود، دو کتاب از آن‌گونه کتاب‌ها را نیز مورد توجه قرار خواهیم داد. نخستین آن دو، کتاب «حزب توده ایران در مهاجرات» از قاسم نورمحمدی است که توسط انتشارات اختران در سال ۱۳۸۵ و در ۲۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است. مجموعه ۴۷ سند ارائه شده در کتاب مذکور از آرشیوهای به جای مانده از آلمان شرقی، استخراج شده است. کتاب در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول (طی ۱۱ عنوان) نورمحمدی به بررسی وضعیت حزب توده و اعضای آن که طی دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰، به آلمان شرقی پناهنده شده‌اند، می‌پردازد. در بخش دوم تحت عنوان ضمایم، متن اسناد که به استثنای سه سند، بقیه به زبان آلمانی است بررسی می‌شود. در ارتباط با این اسناد نورمحمدی توضیح می‌دهد: «بررسی دوران مهاجرت حزب توده در آلمان شرقی بدون پرداختن به روابط پنهان و گاه آشکار برخی از کادرها و رهبران حزب توده با سازمان‌های امنیتی کشورهای میزبان میسر نیست. اشتزای (سازمان امنیت جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی) از طریق عوامل خود در درون حزب توده، از فعل و انفعالات درونی آن حزب به خوبی آگاه بود».<sup>۱۸</sup>

ارائه فهرست دقیق موضوعی اسناد در کتاب، از جمله نقاط مثبت آن است. نقاط مثبتی که با تحلیل‌های مناسب نورمحمدی، نشان از تسلط او بر موضوع مورد پژوهش و نیز درک اهمیت و ارزش اسناد ارائه شده، دارد.

**قزاق: عصر رضاشاه پهلوی بر اساس اسناد وزارت خارجه فرانسه**

کتاب حجیم مذکور با عکسی از رضاشاه بر روی آن مزین شده است، عکسی که به نوعی برطرف کننده ابهام در تیتراژ است. تیتراژ کتاب به گونه‌ای انتخاب شده که مشخص می‌کند منظور بررسی «قزاق‌های» عصر رضاشاه پهلوی است (که علاوه بر شاه، تقریباً تعداد زیادی از امرای ارتش را نیز شامل می‌شود) و یا «رضاشاه» قزاق

است؟ عکس چاپ شده بر روی جلد برطرف کننده ابهام مذکور است: مقصود زندگی‌نامه رضا شاه قزاق است. در جایی دیگر از روی جلد هم خود را نشان می‌دهد، در ذیل تیتراژ کتاب، آمده است: «نویسنده و مترجم: محمود پورشالچی»، آیا پورشالچی کتاب را نوشته و بعد آن ترجمه کرده؟ یا نویسنده بخش تحلیلی کتاب پورشالچی بوده و مترجم اسناد نیز همو می‌باشد؟ به نظر می‌رسد گمان دوم، صحیح‌تر باشد. به هر حال کتاب توسط انتشارات مروارید در سال ۱۳۸۴ در شمارگان ۲۲۰۰ نسخه منتشر شد. ویژگی اصلی کتاب مورد بحث، که شاید تیتراژهای صفحه اول کتاب (روجلد) نیز برگرفته از آن باشند، عدم جداسازی اسناد، از اظهارنظرهای پورشالچی است. او در لابلای اسناد ارائه شده، نظرات، دیدگاه و اضافات خود را وارد می‌کند. از سویی دیگر، علی‌رغم اینکه بدنه اصلی کتاب (همانند دیگر کتاب‌های مورد بررسی در این مقاله)، اسنادی هستند که در آرشیو وزارت خارجه فرانسه نگهداری می‌شوند، لیکن فهرست کتاب به گونه فهرست یک کتاب تحلیلی، تدوین می‌یابد. پورشالچی در پایان متن سه صفحه‌ای «با خواننده»، می‌نویسد: «وقایع و حوادث آنچنان که رخ داده است، از منابع مختلف بدون نظر خاص ترجمه و نقل شده و برای آنکه خواننده بتواند در جریان وقایع، همانطور که اتفاق افتاده، قرار گیرد، آنها را در زمان وقوع فهرست کرده و پیاپی آمده است و با نظری به فهرست هر سال، شما در جریان خبرهای مهم آن عصر قرار خواهید گرفت. این کتاب که در پی «میوه‌های دار» (پیش‌آمدهای عصر قاجار) تدوین شده، حاصل بیش از سی سال جمع‌آوری اسناد و مراجعه به بایگانی‌های مختلف در کشورهاست که عشق من به ایران، عامل اساس آن بوده»<sup>۱۹</sup>

آن گونه که از تیتراژ روی جلد کتاب بر می‌آید کتاب آقای پورشالچی «بر اساس اسناد وزارت خارجه» تدوین شده است، بنابراین وجود عبارت «مراجعه به بایگانی‌های مختلف در کشورهای دیگر» کمی مبهم است، لیکن با مطالعه متن کتاب مشخص می‌شود بدنه اصلی کتاب اسناد وزارت خارجه فرانسه بوده که در کنار آنها، از اسناد برخی کشورها از جمله وزارت خارجه انگلیس، نیز استفاده شده است. ابهام در معرفی کتاب نه تنها در روی جلد، و یا در متن فوق، که در سرتاسر قسمت «با خواننده» به چشم می‌خورد، معلوم نیست هدف پورشالچی از بیان عبارات سه صفحه‌ای «باخواننده» چیست؟ متن مزبور با چنین عباراتی آغاز می‌شود: «عمر مشروطیت ایران طولانی نبود، چون یک انسان معمولی به دنیا آمد و پس از طی دوران‌های بحرانی و سخت، بر اثر یک تب سوزان ناشی از بیماری انقلاب، جان سپرد. در مجموع زندگانش، سال‌های کوتاهی توانست آن‌طور که باید زندگی کند. اگر خوب دقت کنیم در محیطی چون ایران،

**روایت منصور نصیری از زندگی «آخرین  
ارتشبد»، روایتی خطی، همانند دیگر  
کتاب‌های مشابه رجال‌شناسی است**

می‌بایست خیلی پیش از اینها به کام مرگ رفته باشد. این گلی که در چنم روئید، سخت‌جان بود که بر اثر ضربه‌های کشنده و ریشه‌کن و خطرانی که دائماً زندگانش را تهدید می‌کرد، توانست همین قدر هم بماند.<sup>۲۰</sup>

او در ادامه متن فوق، از مظفرالدین شاه و کارهایش، فرمان اوت ۱۹۰۶ [بخوانید فرمان مشروطیت]، و قانون اساسی مشروطه ذکر کرده می‌نویسد: «در سی‌ام دسامبر سال ۱۹۰۶ نظام‌نامه اساسی که ساخته و پرداخته مجلس ناشی از آن فرمان بود، قوت قانونی یافت.»<sup>۲۱</sup>

در ادامه متن فوق، پورشالچی از همه چیز سخن می‌گوید از نخست‌وزیر ایران و ... تنها اشاره او به دوره رضاشاه، دوره‌ای که حداقل بر اساس تیترو روی کتاب و متن آن، محور اصلی تدوین کتاب است، چنین است: «سلطان احمد میرزا آخرین شاه از خاندان قاجار که سعی داشت به قانون اساسی احترام بگذارد، بر اثر کودتای رضاخان سردار سپه کنار گذاشته شد و به حال قهر به فرانسه آمد و چند سال بعد در نوبی پاریس جان به جان آفرین تسلیم کرد. رضاخان میرپنج، که در سال ۱۹۲۶ با عنوان رضاشاه سر سلسله دودمان پهلوی، آغاز سلطنت نمود، در سال ۱۹۴۱ با شروع جنگ جهانی دوم، اضطراباً به نفع پسر خود استعفاء داد و به ژوهانسبورگ تبعید شد و در همانجا دور از وطن، دار فانی را برود گرفت و جسدش سال‌ها در مسجد الرماعی قاهره، به دلایلی از جمله کسب موافقت پسرش برای رهایی فوزیه، به امانت سپرده شد.»<sup>۲۲</sup>

متأسفانه چنین عباراتی گویای علت تدوین کتاب، بیان ارزش موضوعی آن که همانا «زندگی رضاشاه» باشد، نیست. عدم جداسازی متن اسناد وزارت خارجه فرانسه از اظهار نظرهای نویسنده کتاب، ابهام جدیدی را در ارزش بالای اسناد مزبور ایجاد کرده است. مضافاً اینکه بهتر بود آقای پورشالچی حداقل برخی از تصاویر متن اسنادی که از آنها استفاده کرده و یا متن آنها را مستقیماً در کتابش نقل کرده است، ارائه می‌داد.

در مجموع و در پایان بررسی کتاب‌های سندی که در فاصله بین سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶ منتشر شده چند نکته را می‌توان بیان کرد:

**نکته اول:** انتشار تعداد زیادی از عناوین کتاب‌های سندی در فاصله ۱۳۸۴ تاکنون، ادامه روندی است که از اواخر دهه شصت آغاز شد و در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ به اوج خود رسید. طی این مدت، صدها عنوان کتاب سندی توسط ناشرین مختلف انتشار یافت. در تداوم چنین روندی، در سال‌های مورد بحث مقاله حاضر نیز، چاپ کتاب‌هایی از این دست، ادامه یافت.

**نکته دوم:** به نظر می‌رسد برخی از ناشرین و شرکت‌های انتشاراتی که چاپ کتاب‌های سندی را در دستور کار خود قرار داده‌اند، به یک الگوی واحد در این زمینه دست یافته‌اند. وجود چنین الگویی از جمله محسناً کتاب‌های سندی دو سال اخیر است.

**نکته سوم:** در هنگام چاپ و انتشار اسناد آرشیوهای کشورهای دیگر، وجود تصویر اسناد، اهمیت مضاعفی می‌یابد. در حالت کلی، هر کتاب سندی که منتشر می‌شود باید به هر وسیله‌ای، امکان دسترسی خواننده به اصل اسناد ارائه شده در کتاب را، فراهم کند. چاپ تصاویر

اسناد، ارجاعات و ... از جمله آن وسایل می‌باشد. در مورد اسناد آرشیوهای خارجی، به دلیل بُعد مسافت، امکان دستیابی خوانندگان و یا مخاطبین، به اصل اسناد، امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، چاپ عکس آن اسناد در کتاب‌های ذریبطه، کمک مناسبی به خواننده است؛ به‌ویژه اینکه اسناد آرشیو کشورهای دیگر معمولاً به زبان اصلی است، و ترجمه آنها به زبان فارسی، به نوبه خود اهمیتی مضاعف دارد. عدم ترجمه مناسب، عدم به‌کارگیری کلماتی ناظر بر مفهوم کلمه اصلی، می‌تواند ضربه جدی به اعتبار کتاب‌های منتشر شده وارد آورد.

**نکته چهارم:** علی‌رغم چاپ و انتشار صدها عنوان کتاب سندی طی دو دهه اخیر، هنوز چارچوب‌های نظری در مورد جایگاه اسناد، شیوه‌های نقد و بررسی آنها و از همه مهم‌تر معیارهای اطلاق «سند» به یک مدرک، مشخص نشده‌اند. کاری که انجام آن در موقعیت فعلی و پس از دو دهه انتشار اسناد، ضروری به نظر می‌رسد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. یاری، سیاوش؛ حزب ایران به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۰
۲. همان، صص ۱۳ و ۱۴.
۳. همان، صص ۲۳-۹۸.
۴. همان، صص ۲۵ و ۲۶
۵. همان، صص ۹۳ و ۹۴
۶. صارمی شهاب، اصغر؛ حزب رستاخیز ملت ایران به روایت اسناد، ۱۳۵۷-۱۳۵۳ (ج اول). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۴ و ۱۵.
۷. همان، ص ۱۵
۸. همان؛ صص ۱۵ و ۱۶.
۹. همان، ص ۲۳
۱۰. همان، ص ۳۴
۱۱. همان، صص ۳۵-۴۱
۱۲. همان، ص ۱۳۶
۱۳. نصیری طیبی، منصور؛ آخرین ارتشبد، عباس قره‌باغی، به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶
۱۴. همان، صص ۸۲ و ۸۳
۱۵. همان، ص ۸۵
۱۶. همان، ص ۱۸
۱۷. فرهنگ، جلال؛ در آستانه انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴، ص ۵.
۱۸. نورمحمدی، قاسم، حزب توده ایران در مهاجرت، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۵، ص ۱۲
۱۹. پورشالچی، محمود؛ قزاق عصر رضا شاه پهلوی، بر اساس اسناد وزارت خارجه فرانسه؛ تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۴، ص ۱۷
۲۰. همان، ص ۱۵
۲۱. همان
۲۲. همان، ص ۱۶